

تورم ، کنترل اعتبار ، موری روتبارد ، کنترل های ارزی ، تورم

● کنترل اعتبار، آیا نتیجه می دهد؟

در باور نادرست اقتصادی پیشین نشان داده شد که برخلاف ادعاهای گول زننده و عامه پسند، کنترل اعتبار شیوه بدون هزینه برای محدود ساختن میزان وام دهی بانک ها نیست. در عوض فقط درد و رنج را بر گروه هایی متفاوت از کسانی تحمیل می کند که در صورت محدود شدن وام دهی بانک با استفاده از افزایش نرخ های بهره، آسیب می دیدند.

این استدلال بر اساس فرضی بنا شده بود که کنترل اعتبار واقعا موثر است. در این ستون نشان می دهیم کنترل اعتبار در واقع کاملا بی تاثیر است به استثنای شرایطی که ما قطعاً از آن استقبال نمی کنیم.

اول از همه باید گفت آن شواهدی که نشان می دهد کنترل اعتبار در گذشته نتیجه داده است، ابدا روشن و قطعی نیستند. کنترل اعتبار معمولاً در زمان هایی وضع شده که اقتصاد شکوفا بوده و تقاضا برای کالاهای مصرفی با دوام به سرعت شروع به رشد کرده است. مردم به انباشت موجودی این کالاها تا بی نهایت ادامه نمی دهند. آنچه آنها انجام می دهند، انباشت موجودی تقریباً معین کالاها است و از آن موجودی استفاده می کنند تا زمانی که موعد جایگزینی آنها فرا برسد. به عبارت دیگر، تقاضا برای کالاهای مصرفی با دوام به ناگزیر نوسانات شدیدی دارد. کنترل اعتبار معمولاً هنگامی بر جامعه تحمیل می شده است که تقاضای وام برای مدت زمانی بسیار قوی بوده؛ بنابراین به اوج خود نزدیک می شده است. سپس احتمال زیادی می رود که با توجه به هر رخدادی از میزان این تقاضاها کاسته شود. به همین دلیل اصلاً روشن نیست کنترل ها واقعا اثر داشته است، اما به استدلالی که اینجا می کنیم ارتباطی ندارد. این ستون استدلال می کند که با منطق ساده، چنین کنترل هایی دیگر نمی تواند اثر چشمگیری داشته باشد.

فرض کنید که سیاست کنترل اعتبار وضع شده است. نتیجه امر این است که در ابتدا عده ای از مردم از دسترسی به اعتبار با نرخ بهره پایین تر محروم خواهند شد که در غیر این صورت محروم نمی شدند. بعد از آن چه اتفاقی می افتد؟ افراد مختلف و از جمله عرضه کنندگان اعتبار، تلاش می کنند تا از این کنترل ها بگریزند. برای این کار از چه ابزارهایی می توان استفاده کرد؟

یک روش ساده این است که به خارج از حوزه سیاسی حکومتی مهاجرت کنید که کنترل ها را تحمیل کرده است در مورد کنونی به یک کشور خارجی برای مثال به فرانسه بروید. حالا بانکداران از هر ملیتی چه انگلیسی یا ملیت های دیگر که بستگی دارد چه کسانی این حوزه فعالیت را جذاب تر ببینند در فرانسه به کسب و کار بانکداری می پردازند. دولت ها نمی توانند از این کار جلوگیری کنند. البته بانک ها قبل از اینکه وام بدهند نیاز به ذخایر دارند و این ذخایر باید از محل سپرده ها تامین شده باشد. اگر چنین سپرده هایی وجود نداشته باشد، نرخ های بهره در انگلستان افزایش خواهد یافت و هدفی که از کنترل اعتبار دنبال می شد که محدود کردن اعتبار اعطایی بدون افزایش نرخ بهره بود کاملاً به هم خواهد خورد. پس از این قرار، بانک ها و مشتریانانشان می توانند خیلی ساده از دست کنترل ها فرار کنند و معاملات خود را در خارج از انگلستان انجام دهند.

در گذشته یعنی زمانی که کنترل های ارزی در تمام مرزهای انگلستان وجود داشت، چنین کاری ممکن نبود. این کنترل ها به این معنا بود که ساکنان انگلستان نمی توانستند در خارج از انگلستان به کسب و کار مشغول شوند.

البته این نکته درست است که عده ای از مردم راه دور زدن کنترل ها را سریع تر از بقیه یاد می گیرند. کنترل ها شدیدترین تاثیر را بر آدم های ساده و بی شیله و پيله می گذارد. این ابزار تا آن حد که اصولاً انتظار تاثیرگذاری از آن را داشته باشیم، فقرا و آدم های بی خبر از همه جا را تنبیه می کند. این نیز قطعاً پیامد و نتیجه مطلوبی نخواهد بود.

پس نتیجه می گیریم کنترل اعتبار، اگر که موثر باشد، بدون درد و هزینه نیست؛ اما این سیاست اصولاً تاثیری نخواهد داشت؛ چون با رفتن به خارج از انگلستان به راحتی می توان از دست آن فرار کرد.

تنها اقتصادهایی که توانستند این روزها از کنترل های اعتبار استفاده کنند اقتصادهایی از قبیل آن اقتصادهایی هستند که اروپای شرقی از آن دور می شود ، اقتصادهایی که شهروندان نمی توانستند کسب و کار با مردم خارج از اقتصاد خود را هر وقت که به نفع خود می دیدند، انجام دهند. برای حرکت به سمت چنین اقتصادی قطعاً باید هزینه بسیار بالایی پرداخت تا قادر به استفاده از یک ابزار مثلاً کنترل اعتبار باشیم که در هر صورت روش بدون دردی نیست، بلکه صرفاً روشی متفاوت از افزایش نرخ های بهره است.

● نقل قول

موری روتبارد

اولین حقیقت در مورد کنش انسانی این است که «تنها از سوی کنش گران منفرد صورت می گیرد.» تنها افراد هستند که اهدافی دارند و برای

دسترسی به آن عمل می کنند. هیچ کنش یا هدف «گروهی»، «اجتماعی» یا «دولتی» نداریم که نتوان با کنش ها و اهداف افراد مختلف و مشخص جایگزین کرد. «اجتماعات» یا «گروه ها» هیچ موجودیت مستقل از کنش های افراد عضویشان ندارند. بنابراین وقتی می گوییم «دولت» عمل می کند، تنها یک استعاره را به کار می گیریم؛ در حقیقت افرادی مشخص ارتباطی مشخص با افراد مشخص دیگری دارند و به روشی خاص هم عمل می کنند که خودشان و دیگر افراد آن را تحت عنوان «دولتی» می شناسند.
